

آینة

مهر

لطف‌ابری کاهش فاصله طبقاتی تلاش کنبد

● مصطفی تاج‌زاده: متأسفانه صدوسیما و دیگر رسانه‌هایی که از امنیت کامل بهره‌مندند و مهار آنها در اختیار اصولگرایان است، به‌هیچ‌وجه متوجه حساسیت و وخامت اوضاع نیستند و اینکه به‌عنوان رسانه‌هایی که از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند و باید بیابگر چندصدایی ملت و همه اقشار و گرایش‌های فکری باشند، نیستند و از بار آن، شانه خالی می‌کنند؛ کاری غیراخلاقی و غیرقانونی...
. مطبوعات اصلاح‌طلب نیز، از ترس توقیف‌شدن و دیگر مواخذه‌ها، به مسائل اصلی و عینی نمی‌پردازند و نمی‌توانند -آزادانه- جنبه‌ها و رویکردهای متفاوت، اعتراضات اخیر را تحلیل و توصیف کنند. به همین دلیل است که ما با خلا رسانه آزاد مورد اعتماد مردم، مواجه هستیم. مردم به خاطر وضعیت نامطلوبی که دارند، مطالبات بسیاری هم در قبال آن نیست به حاکمیت دارند و به همین خاطر برای پیگیری مطالبات دست به اعتراضاتیابیانی زده‌اند. دولت باید فرصت را مغتنم بشمارد و اولاً در رفتار خودش و برخی انتصابات خود تجدید نظری متناسب با خواست اکثریت مردم صورت دهد. تا جامعه احساس کند که خود دولت هم متوجه پیامش در انتخابات باشکوه هفت ماه پیش شده است. از سوی دیگر به‌هیچ‌وجه به سراغ سرکوب و یکپروبنده نرود، به فیلترینگ تلگرام خاتمه دهد... در این زمینه بیشترین وظیفه متوجه حکومت است. باید پیام این ملت شنیده بشود. ما متأسفانه دچار فسادگسترده شده‌ایم، باید در این زمینه شفاف‌سازی کند و در این زمینه باید دولت قاطع عمل کند. از سوی دیگر نسبت به شکاف طبقاتی به مراتب بیش ازاین حساسیت نشان دهد و در جهت گام‌برداشتن به سود محرومین حرکت‌های جدی‌تر و بابرنامه‌تری را دنبال کند. دفاع از مطبوعات و احزاب آزاد و تلاش برای ایجاد اتحادیه‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری و قشرهای مختلف اجتماعی باعث می‌شود که بعد از این تظاهرات و اجتماعات نیز با حساب و کتاب بیشتری صورت بگیرد.

اعتراض

گفت‌وگوی ملی

● علی‌رضا علوی تبار: به نظرمن اینن اتفاقات (اعتراضات اخیر) ناظمی مثل اعتراضات جوانان آتلاین بی‌آینده دارد. از مجموع شعارها و رفتارها به نظرم می‌آید که مجموعه‌ای احساس یاس و تحقیر در جامعه خشم و این خشم نوعی تحول ایجاد کرده است. در حقیقت ریشه ماجرا احساس تحقیر است...
تئوری‌های توطئه خیلی سخت قابل‌اثبات است. یعنی شاید بتوان شواهدی یافت اما نمی‌توان دلایل کافی برای اثبات آن ارائه کرد. به نظر من محوق‌قراردادن این تئوری‌ها برای اهل سیاست سم است. ما اگر می‌خواهیم از این داستان یک درس جدی بگیریم باید از خودمان پی‌رسیم که در رفتارمان چه اشکالی داشتیم و بخشی از جامعه را به یاس، تحقیر و خشم گشاندیم. این نگاه برای ما خیلی مفیدتر است.

رژه

اکنون نوبت همکاران داخلی فتنه نیز است

● ... برخی نخبکان سیاسی که بعضاً از اعضای فعلی و پیشین قوای سه‌گانه هستند، حتی با فر قراتر نهاده و با استناد به اطلاعات مغلوط منتشرشده در کانال‌های فتنه‌گر، طی چند سال گذشته، اقدام به تکرار ادعاها و اتهامات ضدانقلابی علیه اشخاص و مسئولان دیگر و کلیت نظام نموده و باعث تشویش اذهان عمومی و تضعیف سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی شده‌اند. طسی این مدت ایشان با تکرار اتهام پراکنی‌های فتنه نیزوها، به اعتبارزایی برای این کانال‌های ضدانقلاب پرداخته و موجب تقویت آن شده‌اند. ...مرامج ذی‌صلاح باید تمام کسانی را که طی دو سال گذشته با تکرار ادعاهای فتنه نیزوها به این اتهامات و منشأ آن اعتباربخشی کرده‌اند، در وضع موجود شریک تقصیر قلمداد کنند و تحت پیگرد قرار دهند.

گیتان

ریشه‌های یک اغتشاش

● برخی رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی سوابق هیزم‌کشی در آشوب‌های ۷۸ و ۸۸ داشتند و شماری از همکاران آنها پس از ارتکاب خیانت‌های متعدد، از کشور گریخته و از BBC و VOA و رادیو فردا و... پیوستند. این طیف ضمن تحریف‌گری تلاش کردند مغالطه‌ای را در دهان برخی مدیران بگذارند. آنها گفتند اعتراض حق مردم است و اعتراض را باید به رسمیت شناخت. معلوم است که باید حرف مردم را شنید و به مشکلاتشان به عنوان ولی‌نعمت صاحب‌منصبان رسیدگی کرد. اما اولاً کسانی که آدم کشتند و به اموال و مراکز عمومی یا شخصی و مغازه‌های مردم حمله کردند، مردم بودند یا مزدوران دشمن؟! ثانیاً مخالف‌خوانی و اعتراض اگر از منتقدان پذیرفته باشد، مطلقاً از کسانی که باید پاسخگوی وعده‌های خود و مطالبات مردم باشند، مسموع نیست. ثالثاً این محافل می‌خواهند پوستر خربزه زیر پای دولت بگذارند. آنها طی چند سال گذشته، با مدیدن در هیجان توافقی با شیطان بزرگ، فرصت بهبود وضعیت اقتصادی را دریغ کردند تا به نارضایتی مردم منجر شد. این طیف با دولت هم صادق نیستند، چون آن را صرفاً کاتالیزور و رحم اجاره‌ای نقشه نیابتی خود می‌دانند.

politics@sharghdaily.ir

شرق: نیمه‌شب به وقت تهران، سه بعدازظهر به وقت نیویورک؛ در سالن گرد شورای امنیت با صندلی‌های آبی و آدم‌هایی جدی که دور تا دور میز نشسته‌اند، در نخستین نشست سال نو میلادی، در جلسه‌ای «اضطرابی» به موضوع ناآرامی‌ها در ایران پرداخته شد. اگرچه شورای امنیت به‌عنوان یک رکن اصلی سازمان ملل متحد وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد، اما این‌بار مسئله داخلی یک کشور به موضوع این شورا تبدیل شد. روسیه، چین و سئوند از ابتدا مخالف طرح نمایشی‌ای بودند که کارگردان داخلی‌اش نیکی هیلی بود و کارگردان خارجی‌اش دونالد ترامپ. باوجوداین، ۹ نفر از ۱۵ عضو با قرارگرفتن این موضوع در دستور کار موافقت کردند. هر چند در ادامه، برخلاف انتظار معمول، فرانسه نیز در مخالفت با آمریکا به صف چین و روسیه پیوست.

برخی گزارش‌ها از تنش در ابتدای این جلسه خبر می‌داد. بی‌بی‌سی گزارش داده که روسیه در این جلسه آمریکا را که خواهان تشکیل این جلسه شده، به «دخالت بی‌شروانه در امور داخلی ایران» متهم کرده است. آخر آذر نیز نیکی هیلی درباره برنامه موشکی ایران تقاضای جلسه‌ای در شورای امنیت کرده بود؛ جلسه‌ای که به حمایت اعضا از برجام منجر شد و برخی اعضا نیز به انتقاد از برنامه موشکی ایران پرداختند. این‌بار برگزاری این جلسه اضطراری شد. از روز آغازین این تجمعات، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به دفعات در مورد ایران توییت کرد و مدعی حمایت از مردم در مقابل نظامی شد که او، آن را حامی تروریست می‌خواند. ترامپ مدعی شده بود که مردم به‌دلیل «گرسنگی» اعتراض می‌کنند درحالی‌که حکومت ایران پول نفت را به گروه‌های تروریستی می‌دهد. نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، اوایل هفته گفته بود کوشورش به‌دنبال برگزاری جلسه‌ای در شورای امنیت به‌منظور حمایت از معترضان ایرانی خواهد بود.

در سالن گرد چه گذشت؟

جلسه جمعه با حمایت نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل، از معترضان آغاز شد اما با انتقاد از خانم هیلی به‌علت طرح این موضوع در شورای امنیت پایان یافت. در این جلسه سه عضو دائم شورای امنیت، یعنی چین، روسیه و فرانسه، از آمریکا به‌علت طرح این موضوع در شورای امنیت انتقاد کردند و فرانسه ضمن تأکید بر حفظ توافق هسته‌ای با ایران از آنچه «ت نقض آزادی بیان» می‌خواند، همچنین نقش ایران در خاورمیانه انتقاد کرد. نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل، در سخنانش در حمایت از طرح خود مدعی شد «در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) جهان از معترضان در ایران حمایت نکرد، اما این‌بار که مردم ایران خود به اراده خود اعتراض می‌کنند، آمریکا کنار آنها می‌ایستد. وقتی امید ایرانیان از نسوی حکومت‌شان سرکوب شد، جهان ایستاد و متغلاانه نگاه کرد. در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۶) دیگر ساکت نخواهیم ماند. یک‌بار دیگر مردم ایران به پا خواسته‌اند. آنها خواستار چیزی هستند که هیچ حکومت مشرعو نمی‌تواند از مردمش دریغ کند؛ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. آنها از ما کمک می‌خواهند».

دغدغه‌های حقوق بشری

پس از خانم هیلی نماینده فرانسه سخن گفت و ضمن اشاره به اعتراضات روزهای اخیر در ایران تلوحا گفت که این یک مسئله داخلی است و از اتجا که امنیت جهانی از محل این وقایع تهدید نشده است، بنابراین رسیدگی به آن در شورای امنیت سازمان ملل متحد هم نمی‌تواند وجهت باشد. سفیر فرانسه

دیپلماسی



جلسه شورای امنیت دربرای رفع فتنه داخلی ایران، ۲۰ دی ۱۳۹۴

ناکامی نیمه‌شب

جلسه شورای امنیت درباره ناآرامی‌های ایران بدون نتیجه تمام شد

هم‌زمان از آنچه نقض آزادی بیان می‌خواند همچنین نقش ایران در خاورمیانه انتقاد کرد و گفت امانوئل مکررون، رئیس‌جمهوری فرانسه، همین دغدغه‌ها را با حسن روحانی، همتای ایرانی‌اش مطرح کرده است. نماینده فرانسه تأکید کرد هر تغییری در ایران باید از طرف خود مردم ایران و در داخل این کشور شکل گیرد. همچنین بریتانیا در جلسه شورای امنیت خواهان توجه به آنچه «خواسته‌های مشروع معترضان» می‌خواند معترضان اظهار تأسف کرد و از ایران خواست تا از گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل اجازه سفر به ایران را بدهد. او گفت درعین‌حال ایران نگرانی‌های امنیتی مشروعی دارد و یک کشور مهم و تاریخی است. او مدعی شده که ایران نگرانی‌های امنیتی خود را از طریق راه‌هایی پیگیری می‌کند که به تنش منطقه‌ای منجر می‌شود. در ادامه نماینده سوئد در این جلسه با اشاره به اعتراضات ایران از دولت این کشور خواست که مطالبات معترضان گوش فرا دهد و به تمامی تعهدات

فراتر از خبر

پایان نشست شورای امنیت درباره ایران، آغاز اعتراض کاربران شبکه اجتماعی توییتر به آن بود. روز گذشته، شبکه اجتماعی توییتر در اختیار منتقدان نیکی هیلی و سیاست‌های آمریکا بود. یکی از کاربران توییتر در پیامی نوشته است: «دولت آمریکا با نقض قواعد حقوق بین‌الملل اجازه می‌دهد افرادی از خاک کوشورش فرمان قتل و نهیب و آتش علیه یک عضو دیگر سازمان ملل متحد صادر کنند. بعد اعتراضات داخلی ایران را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند». کاربر دیگری توییت کرده: «برخی دوست ن‌دارند این اتفاقات را به یاد بیاورند؛ اما ما به آنها این مداخلات در امور داخلی کشورها را یادآوری می‌کنیم. مداخله در امور یک کشور باعث گسترش بی‌ثباتی و افراط‌گری می‌شود؛ خواه این کشور ایران باشد یا هر کشور دیگری». کاربر دیگری نوشته است: «کسی که از بی‌نتیجه‌بودن جلسه شورای امنیت درباره ایران ناراحت است، شاید رویش نشود کر بگوید؛ اما دقیقاً از این ناراحت است که چرا نمی‌گذارند سربازان قهرمان آمریکایی زودتر بیایند آژندش کنند. تعارف

تضعیف توافق هسته‌ای (برجام) ارزیابی کرد. بنزیرا در سخنان نسبتاً مفصل خود موضوع ناآرامی‌های ایران را مسئله داخلی این کشور خواند و با اشاره به تظاهرات و ناآرامی‌های اخیر در داخل آمریکا و برخورد پلیس با معترضان گفت نباید چنین مسائلی به شورای امنیت آورده شود. نماینده روسیه ضمن ابراز تأسف از کشته‌شدن معترضان از آمریکا به علت پیش‌کشیدن این موضوع انتقاد کرد و خواستار آن شد که با چنین اقداماتی «ثبات در ایران بر هم نخورد». سفیر روسیه همچنین گفت: «هدف این جلسه که آمریکا آن را درخواست کرده، مسائل حقوق بشر در ایران نیست؛ بلکه تلاش دیگری از سوی واشنگتن برای ضربه‌زدن به برجام است». سفیر چین نیز در این جلسه شورای امنیت پیش از روسیه سخن گفت و در ابتدا به مسئله تروریسم در خاورمیانه و اهمیت مبارزه با آن تأکید کرد. نماینده چین گفت شورای امنیت باید بر صلح خاورمیانه و راه‌حل مبتنی بر تشکیل دو کشور مستقل تمرکز کند. سفیر چین همچنین به مسئله سوریه هم اشاره کرد و سپس با اشاره به موضوع ایران گفت شورای امنیت نباید وارد مسائل داخلی ایران شود و ورود شورای امنیت به این حوزه مناسب و بر مبنای شرح وظایف آن نیست. به‌این‌ترتیب سفیر چین هم ضمن برجسته‌کردن دیگر مسائل خاورمیانه، اعتراضات در ایران را مسئله داخلی این کشور دانست و شورای امنیت را جای مناسبی برای رسیدگی به این موضوع ندانست.

اعتراضات پاریس موضوع شورای امنیت شد

نماینده ایران در این جلسه به‌عنوان سخنران آخر با اعتراض به آمریکا شروع کرد و این کشور را به قلدری و سوءاستفاده از شورای امنیت متهم کرد. نماینده ایران با اشاره به مسائل فلسطینیان و یم‌ن به نقش دولت جدید آمریکا در مسائل خاورمیانه اشاره کرد و کاخ سفید آقای ترامپ را متهم به عدول از قوانین بین‌المللی کرد. غلامعلی خوشرو به مسائل تاریخی مابین ایران و آمریکا نظیر ۲۸ مرداد اشاره کرد. نماینده ایران همچنین با اشاره به برخورد پلیس و نیروهای امنیتی آمریکا با معترضان در این کشور در چند دهه گذشته، به اعتراضات چند سال پیش پاریس در دوران نیکلا سارکوزی هم اشاره کرد و گفت در هیچ‌کدام از این موارد موضوع به شورای امنیت ارجاع نشد. نماینده ایران در سازمان ملل متحد، سپس به تشریح وضعیت اعتراضات در ایران پرداخت و با اشاره به موارد خشن مانند کشته‌شدن یک مرد و پسر نوجوانش در جریان اعتراضات لرستان یا حمله به بانک‌ها و مراکز دولتی، آنها را مصداقی برای مداخله پلیس و مأموران دانست و گفت این کاری است که پلیس در همه نقاط جهان انجام می‌دهد. محمدجواد ظریف نیز بعد از این جلسه در تویییتی نوشت: «شورای امنیت به تلاش آشکار آمریکا برای دست‌کاری و ردودن ماموریت این شورا نه گفت. اکثریت بر لزوم پایبندی به برجام تأکید کردند و بر پرهیز از دخالت در امور داخلی دیگر کشورها سخن گفتند؛ یک اشتباه بزرگ دیگر از سوی دولت ترامپ در صحنه سیاست خارجی».

سانتاوره نیز طرح دادند

جمعه شورای امنیت در حالی با جلسه اضطراری درباره ایران گذشت که روز پنجشنبه سانتور باب کورکر، رئیس‌جمهوری‌خواه کمیته روابط خارجی سنا، به همراه سانتور باب کاردن، عضو ارشد دموکرات این کمیته، قطع‌نامه‌ای را در سنای آمریکا با ادعای حمایت از معترضان در ایران طرح کردند. آنها در متن این قطع‌نامه «از دولت ایران می‌خواهند حق آزادی بیان، مذهب، مطبوعات و برگزاری اجتماعات شهروندان خود را به رسمیت بشناسد».

تحلیل امیرعلی ابوالفتح از جلسه شورای امنیت

اختلاف در ۲ سوی اقیانوس اطلس

از جریان‌های ضدحکومتی در ایران داشته باشد.
باین‌حال، پاریس روی گسترش روابط اروپا و فرانسه با تهران در دوران پس از برجام حساب ویژه باز کرده است. شاید بتوان گفت هیچ کشور اروپایی با به اندازه فرانسه، بعد از برجام با ایران قرارداد اقتصادی امضا نکرده است. قراردادهای نفتی با توتال و ترابری با ایرباس میلیارد‌ه‌یورو سود به جیب شرکت‌های فرانسوی واریز می‌کند. ضمن اینکه دو کشور ایران و فرانسه در آستانه یک رویداد تاریخی هستند و آن سفر رئیس‌جمهوری فرانسه به تهران پس از بیش از ۴۰ سال است. در چنین وضعیتی، فرانسویان به مصلحت نمی‌دانند به‌خاطر اغتشاش در چند شهر ایران، آن هم اکنون که آرامش به کشور برگشته و نظام کنترل اوضاع را در دست گرفته. آینده پرسود مناسبات تجاری با تهران را به خطر اندازد و باب‌گفت‌وگو با مقامات ایرانی بر سر موضوعاتی مانند فعالیت‌های موشکی ایران یا فعالیت‌های منطقه‌ای ایران بسته شود.

در ۱۰ روز گذشته این دومین جلسه شورای امنیت است که با موضوع ایران و به درخواست آمریکا برگزار می‌شود. به نظر شما اینها مقدمات خروج آمریکا از برجام است؟
تدریجی نیست که ناآرامی‌ها در ایران بر تندترشدن دیدگاه‌های نیکی علیه ایران و توافق هسته‌ای تأثیر خواهد گذاشت. انتظار می‌رود تحریم‌ها و فشارهای غیرهسته‌ای آمریکا بر ایران افزایش یابد. باین‌حال، هنوز برجام تا نابودی در دست ترامپ فاصله دارد، البته برخی تحلیل‌ها حکایت از آن دارد که چه‌بسا ترامپ فرصت را مغتنم بشمارد و به بهانه سرکوب

همانگی و همکاری اعضا، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت نیاز دارد. با توجه به اختلافات پروژانه میان دو

سوی اقیانوس اطلس در مورد ناآرامی‌ها در ایران، از همان ابتدا مشخص بود که آمریکایی‌ها شانس‌ی بی‌شمار تصویب قطع‌نامه یا حتی بیانیه‌ای علیه ایران در شورای امنیت نخواهند داشت؛ به‌ویژه اینکه این نشست زمانی برگزار شد که آرامش به ایران برگشته بود و برخلاف تصور آمریکایی‌ها، خشونت‌ها از خیابان‌ها جمع شده بود. باین‌حال، آمریکا فرصت را مغتنم شمرد تا از طریق تریبون شورای امنیت، ایران را به نقض حقوق بشر و حقوق معترضان متهم کند و بار دیگر عزم واشنگتن در حمایت از اعتراضات ضدحکومتی در ایران را به نمایش بگذارد، اما درعین‌حال شاید بتوان گفت آمریکایی‌ها انتظار عدم همراهی متحدان نزدیک خود در شورای امنیت سازمان ملل در ضدیت با ایران را نداشتند و تصور می‌کردن این نشست نوعی اجماع این نهاد بر اساس خواست و اراده آمریکایی‌ها مسئله جدیدی نیست و بارها اعضای دائم شورای امنیت، به‌ویژه آمریکا چنین اقداماتی را انجام داده‌اند. ازاین‌رو، این نهاد بر اساس خواست و اراده آمریکایی‌ها مسئله جدیدی نیست و بارها اعضای دائم شورای امنیت، به‌ویژه آمریکا چنین اقداماتی را انجام داده‌اند. ازاین‌رو، این نهاد بر اساس خواست و اراده آمریکایی‌ها مسئله جدیدی نیست و بارها اعضای دائم شورای امنیت، به‌ویژه آمریکا چنین اقداماتی را انجام داده‌اند. ازاین‌رو،

رئیس‌جمهوری آمریکا در حمایت از معترضان در ایران، قابل‌انتظار بود که آمریکایی‌ها برای اثبات عزم خود در این خصوص، اقدام عملی انجام دهند و حداقل، جلسه‌ای را در شورای امنیت سازماندهی کنند که این اقدام نیز انجام گرفت.

در این جلسه، نیکی هیلی حتی پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای به‌همراه نداشت؛ یعنی از ابتدا مشخص بود که چنین طرحی در جلسه شورای امنیت به نتیجه‌ای نمی‌رسد. پس چرا او این بازی را ادامه داد؟ هدف آمریکا از این بازی چیست؟
تصویب قطع‌نامه یا حتی بیانیه در شورای امنیت به

ادامه از صفحه اول

تناقض حرف و عمل اپوزیسیون

مثلاً تلاش برای ادامه تحریم‌ها، تلاش برای افزایش فشارهای قدرت‌های جهانی، به‌ویژه ایالات متحده علیه ایران تا مداخله نظامی در ایران، تشدید و توسعه منازعات خشن در داخل و... اینها تماماً وقایعی هستند که برای مردم و کشور موجب انواع مشکلات تشدید مثل فقر گسترده و بیماری و بی‌کاری و زندان و آفات متعدد است. طبعاً کسی که در خارج از کشور زندگی می‌کند و در صحت و امان به‌سرمی‌برد، از این رنج‌ها و مصائب لطمه‌ای نخواهند دید. او زندگی خود را در بیرون از سرزمین خواهد داشت. نکته ظریف این است که اغلب فعالان سیاسی مقیم خارج از کشور، دقیقاً برای گریز از همین مشکلات، مانند زندان و محرومیت و فقر و بیماری، از کشور رفتن یا ناگزیر از رفتن شدند؛ حال چرا گروهی از همین دسته افراد باید مردم را به چیزهایی تشویق و ترغیب کنند که می‌تواند حاصلش همین مواردی باشد و خودشان از آنها گریختند؟ از نظر این بخش از مهاجران، شاید کشور برای خلاصی از بحران‌هایش، راهی جز جبر از چنین مسیرهای دردناکی را ندارد. همچنین فرض کنیم که تمام آن تحلیل و ترغیب و تشویق‌ها به انجام کارهای پرخطر، باتکیزه حب و طو و عشق ملت و شیفتگی به ایران و ایرانی و دموکراسی و حقوق بشر و توسعه انجام می‌شود، چرا کسانی که به چنین راه‌هایی می‌اندیشند و آن را می‌خواهند پیش ببرند تا به زعم خودشان ایران و ایرانی به راه سعادت افتد، خودشان به کشور نمی‌آیند؟ کسی که از هراس زندان یا محرومیت یا گرسنگی یا نداشتن آزادی بیان، خود را ناگزیر از رفتن از وطن دیده است، با کدام مجوز اخلاقی خود را مجاز می‌داند مردمان را به همان راهی بکشاند و به همان عواقبی دعوت کند که خود از آنها گریخته است. چنین شیوه‌ای اخلاقی نیست که آدم جایی در امن و آرامش بنشینند و برآی چیزهایی که خودش می‌پندارد، دیگران را به سختی و مصیبت و حتی مرگ ترغیب کند و دیگران را، بی‌آنکه خود آسیبی ببیند، به سختی‌های جانکاه و خناسموز دعوت کند؟ شرط صداقت آن است که آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم نپسند و بالعکس. اینها می‌توانند مثل ۸۰میلیون جمعیت کشور در همین مملکت بمانند و آن‌وقت هرچه خواستند بگویند و اگر حساب هزینه‌دادن هست، در کنار مردم هزینه‌اش را بدهند و اگر بهره داشت، بهره‌اش را ببرند. اما چنین نمی‌کنند.

سهم مادر خزر

از رویداد انقلاب اسلامی تاکنون، این محاصره شکسته شده و امروز کریدور سه‌سوال جنوبی خزر تا دریای مدیترانه عملاً برای روسیه باز شده است. روس‌ها برای نخستین‌بار پس از جنگ جهانی دوم با آزادی عمل در این کریدور حضور یافته و ما شاهد حضور فعال آنها در سوریه هستیم. دولت کنونی ایالات متحده به‌جای اینکه به روسیه فشار آورد، به‌همراه ابادی خود در منطقه ایران را در فشار قرار می‌دهد که با روس‌ها همکاری نکند. پیش از سنتو و در نیمه اول دهه ۱۳۲۰ و زمانی که هنوز شمال ایران در اشغال شوروی بود، شوروی‌ها ترکیبی از یک خواسته خود را به‌انه اشغال قرار داده بودند: به یک روایت خواهان امتیاز استخراج نفت در جنوب دریای خزر بودند. از روایت دیگر سخنان او این بودند که چنین امتیازی به غرب – به‌ویژه ایالات متحده آمریکا – داده نشود تا از آن نقطه جنوب شوروی در دبدرس با تیررس آمریکا قرار نگیرد. رفت‌وآمد قوام‌السلطنه و توافقی نسبت به دومی – اما به نام مصرف‌کردن شوروی از گرفتن امتیاز نفت شمال – مسئله را حل کرد. سیدغلامرضا روحانی، شاعر طنزپرداز آن دوره، ماجرای مذاکره میان شوروی (خرس) و قوام (رویه) را با این بیت به پایان رسانیده بود: «پس با زبان خرسی رویاه گفت مرسی – یعنی مزید بادا لطف جناب‌عالی». امروز حضور آمریکا و انگلیس و ناتو به‌جای ایران در افغانستان، پاکستان در شرق ایران و عربستان و همه امیرنشینان خلیج فارس، از جمله بحرین، تثبیت شده، اما روس‌ها هم در همه‌جای آسیای جنوب‌غربی حضور دارند. غربی‌ها این را برنمی‌تابند و در مذاکرات دریای خزر موش می‌دانند. در این راستا، اروپا که نیازمند نفت و گاز ارزان‌تر است، با کشورهای اطراف دریای خزر مذاکره می‌تواند رقابت ایجاد می‌کند. هر پنج کشور اطراف دریای خزر در فروش نفت با هم رقابت می‌کنند. برای ترکمنستان و قزاقستان تنها راه فروش نفت و گاز به اروپا، ایجاد خطوط انتقال انرژی از راه دریاست. این هم‌چنان با رقابت بقیه کشورهای اطراف رویه‌رو است، همچنین در صورت بروز هر حادثه‌ای برای لوله‌ها، خطر آلودگی و تبعات منفی تخلیه نفت و گاز به دریای خزر وجود دارد. اگر صاحبان سهم در دریای خزر به صورت یک مجموعه نگاه کنیم و به فرض اینکه دیپلمات‌ها نکات عیان و پنهان دیگری در مذاکرات نداشته باشند، دو راه‌حل برای مذاکره و یافتن نقشه راه وجود دارد: نخست استفاده از مدل سنتی مذاکره میان چند رقیب و دوم مذاکره بر مدل هسپاگی بدبستان بر مبنای رقابت، ترغند، کشمکش و دعوا صورت می‌گیرد که ممکن است سال‌ها طول بکشد. در این مدل نقش حرکت‌های پنهانی پشت صحنه اصلاً از مذاکرات علنی کمتر که نیست، شاید بیشتر هم باشد. در مدل دوم مردم محله‌ای که خانه‌هایشان در اطراف یک پارک کوچک یا یک برکه آب قرار دارد، می‌توانند با حسن‌نیت دور هم بنشینند و نقش هر همسایه و مقیاس آن را به بهترین وجه اندازه‌گیری کنند. تا چه زمانی باید ما که یکدیگر را در ادبیات کلاسیک، انسان می‌خوانیم، از این مفهوم فاصله بگیریم.